

## عجایب بارگاه خسرو پرویز

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۰

عجایب بارگاه خسرو پرویز گنج» یا عجایب بارگاه خسرو پرویز بارها در منابع مختلف نامی به میان آمده است. «ساسانیان» اثر «کریستین سن» یکی از منابعی است که به این عجایب اشاره کرده است و از گنج گاو، دستمال نسوز، تاج یاقوت‌نشان، تخت طاق‌دیس، طلای مشت افشار، گنج بادآورد و شطرنجی از یاقوت و زمرد به عنوان عجایب هفت‌گانه بارگاه پادشاه ساسانی نام برده است.

عجایب بارگاه خسرو پرویز گنج» یا عجایب بارگاه خسرو پرویز بارها در منابع مختلف نامی به میان آمده است. «ساسانیان» اثر «کریستین سن» یکی از منابعی است که به این عجایب اشاره کرده است و از گنج گاو، دستمال نسوز، تاج یاقوت‌نشان، تخت طاق‌دیس، طلای مشت افشار، گنج بادآورد و شطرنجی از یاقوت و زمرد به عنوان عجایب هفت‌گانه بارگاه پادشاه ساسانی نام برده است. فردوسی نیز در قصیده‌ای، از «هفت گنج» خسرو پرویز نام می‌برد. هندیان بودایی هم به تقلید از «هفت گنج» خسرو پرویز، پادشاه ساسانی، «هفت گوهر» را ترتیب داده بودند.

### گنج گاو

کشاورز مثل هر روز، «غباز» (خیش گاو آهن) را برداشت و به سوی مزرعه حرکت کرد. به مزرعه که رسید توشه ظهر را زیر درختی گذاشت و با «غباز» به سمت راست مزرعه رفت. تا «غباز» را در زمین فرو کرد متوجه شیئی سخت شد.

با دست شروع به کندن زمین کرد و ناگاه با ظرف قدیمی برخورد کرد. آن را بیرون آورد، ولی باورش نمی‌شد. ظرف پر از سکه بود. سکه را که نگاه کرد نام اسکندر روی آن حک شده بود. کشاورز برای نشان دادن حسن نیت خود نسبت به پادشاه خسرو پرویز ظرف را نزد او برد.

شاه فوراً دستور داد تا مزرعه را بکنند و ظروف دیگر را از خاک بیرون بکشند. صد کوزه نقره و طلا که مهر اسکندر بر آن حک شده بود، از خاک بیرون آمد. خسرو پرویز، این گنجینه را که یکی از عجایب هفت‌گانه کاخش بود، گرفت و یکی از کوزه‌ها را به کشاورز داد. گنج را در جایی از کاخ مخفی کرد و آن را «گنج گاو» نامید.

یکی دیگر از عجایب بارگاه خسرو پرویز دستمال او بود. شاه بعد از هر غذا خوردن با دستمال، دست های خود را پاک می کرد و چون کثیف و چرب می شد آن را درون آتش می انداخت تا آتش آن را تمیز کند، دستمال پاک می شد ولی نمی سوخت. به احتمال قوی جنس این دستمال از پنبه کوهی بوده است.

#### تاج یاقوت نشان خسرو پرویز

از دیگر عجایب کاخ او تاج خسرویی بود. تاج خسرو پرویز از مقدار زیادی طلا و مروارید ساخته شده بود. یاقوت های به کار رفته در تاج طوری می درخشید که به جای چراغ در شب از آن استفاده می کردند و یاقوت هایش همه جا را روشن می کرد. زمردهایش چشم افعی را کور می کرد. این تاج آنقدر سنگین بود که زنجیرهایی از طلا را از سقف آویزان کرده بودند و تاج را بر این زنجیرهای طلا بسته بودند، طوری که تاج به هنگام نشستن شاه روی سرش قرار بگیرد و سنگینی تاج را احساس نکند.

#### تخت طاقدیس بارگاه خسرو پرویز

یکی دیگر از عجایب بارگاه خسرو تخت طاقدیس اوست. شکل این تخت مانند طاق بود و جنسش از عاج و نرده هایش از نقره و طلا بود. سقف این تخت از زر و لاجورد بود. صور فلکی، کواکب، بروج سماوی، هفت اقلیم، صورت های پادشاهان، مجالس بزم و شکار، بر این سقف، حک شده بود. روی آن وسیله ای برای تعیین ساعت روز نصب شده بود. چهار یاقوت، هر یک به تناسب یکی از فصول سال دیده می شد. بر بالای آن وسیله ای بود که قطراتی مانند قطرات باران را فرو می ریخت و صدایی رعدآسا به گوش می رسید.

#### طلای مشت افشار

خسرو پرویز قطعه طلایی اعجاب انگیز داشت که به طلای مشت فشار یا مشت افشار معروف بود. این قطعه طلا به اندازه مشت پادشاه و چون موم نرم بود. این قطعه زر به هر شکلی حالت می گرفت این قطعه طلا را از معدنی در تبت برای خسرو استخراج کرده بودند و ۲۰۰ مثقال وزن داشت.

#### گنج بادآورد

«گنج بادآورد» از عجایب دیگر دستگاه پرویز است. هنگامی که ایرانیان اسکندریه را محاصره کردند، رومیان ثروت شهر را در کشتی هائی نهادند تا به مکانی امن بفرستند، اما باد به جهت مخالف وزید و کشتی به سمت ایرانیان آمد. ثروت را به تیسفون

## شطرنجی از یاقوت و زمرد

از عجایب دیگر دستگاه پادشاه ساسانی، شطرنج مخصوصی از جنس یاقوت و زمرد بود.

خسرو پرویز شاید از معدود پادشاهانی باشد که از همسرش نیز در برخی از منابع تاریخی به عنوان یکی از عجایب دربار او نامبرده شده است. در تاریخ ثعالبی به جز آنچه که در بالا اشاره شد، از زن او شیرین، قصرش تیسفون، درفش کاویانی، رامشگران دربار ساسانی، اسب خسرو به نام شبدیز و فیل سفید دربار نیز به عنوان گنج‌های خسرو و عجایب دربار او یاد شده و درباره برخی از آنها توضیحاتی آمده است.

در تاریخ ثعالبی آمده است: «شیرین و خسرو در جوانی دلباخته یکدیگر شدند، اما وقتی خسرو به پادشاهی رسید شیرین را فراموش کرد. شیرین که بار دیگر در پی جلب عشق خسرو برآمده بود، روزی در سر راه شکار او قرار گرفت و آتش عشق فراموش شده در دل خسرو روشن شد. او در همان لحظه او را به زنی گرفت شیرین بعد از راهیابی به کاخ پس از چندی مریم بانوی اول زرتشتیان را مسموم کرد و خود زن اول دربار شد.»

اسب خسرو «شبدیز» هم از دیگر عجائب کاخ اوست

که در تاریخ ثعالبی از آن نامی به میان آمده است. خسرو گفته بود اگر کسی خبر مرگ «شبدیز» را بدهد او را خواهد کشت. هنگامی که «شبدیز» مرد تنها «باربد» جرات کرد نغمه ای را بخواند و در آن خبر مرگ شبدیز را بدهد. او خواند: «دیگر شبدیز نمی خواند و نمی چرد.» شاه گفت: «مگر او مرده است.» و باربد گفت: «شاه چنین فرماید.»

«باربد» خود نیز از عجائب دستگاه پرویز بود. «سرکس» از خنیاگران دربار که به او حسادت می کرد در فرصتی مناسب او را کشت. خسرو وقتی دانست باربد به دست سرکس کشته شده است دستور قتل «سرکس» را هم داد.

## تخت طاقدیس

تخت خسرو پرویز را که از فریدون به وی رسیده بود طاقدیس می‌گفتند. گویند جمیع حالات فلکی و نجومی در آن ظاهر می‌شده و آن سه طبقه بوده و در هر طبقه جمعی از ارکان دولت او جابجا قرار می‌گرفته اند و خسرو پرویز بر آن تخت ملحقات و تصرفات کرده بود. (برهان). طول آن تخت یکصد و هفتاد ذراع و عرض آن یکصد و بیست ذراع و مکلل بجواهر بود. (غیاث اللغات). و در حاشیه چاپ جدید برهان که به اهتمام دکتر معین منتشر شده آمده است: هر تسفلد رساله ممتعی در باب تخت طاقدیس نوشته

اشاره بقول مورخ بیزانسی کدرنوس کرده که او از یکی از کتب تئوفان (نیمه دوم قرن هشتم م.) روایت کرده است. کدرنوس گوید هرقل قیصر پس از انهزام خسرو پرویز در سال ۶۲۴ وارد کاخ گنرک شد.

«بت خسرو را دید که هیاتی مهیب داشت و تصویر پرویز را هم مشاهده کرد که بر بالای کاخ بر تختی قرار گرفته بود. این تخت بکره بزرگی مانند آسمان شباهت داشت و در گرداگرد آن خورشید و ماه و ستارگان نمودار بودند که کافران آنها را می پرستیدند و تصویر رسولان شاه نیز در گرد آن بود که هر یک عصایی در دست داشت. در این گنبد بفرمان دشمن خدا (یعنی خسرو) آلاتی تعبیه کرده بودند که قطراتی چون باران فرومیریخت و آوایی رعدآسا بگوش میرسازید..

ز تختی که خوانی ورا طاقدیس  
 که بنهاد پرویز در اسپریس ...  
 بیاورد پس تخت شاه اردشیر  
 وز ایران هر آن کس که بد تیز ویر  
 بهم درزدند آن سزاوار تخت  
 بهنگام آن شاه پیروز بخت  
 ورا درگر آمد ز روم و ز چین  
 ز مکران و بغداد و ایران زمین  
 هزار و صد و بیست استاد بود  
 که کردار این تختشان یاد بود...  
 بفرمود تا یکزمان دم زدند  
 بدو سال تا کار بر هم زدند...  
 به رش بود بالاش صد شاه رش  
 چو هفتاد رش بر نهی از برش ...  
 برویش ز زرین صد و چل هزار  
 ز پیروزه بر زر کرده نگار  
 همه نقره خام بد میخ و بش  
 یکی ز آن بمثقال بد شصت و شش ...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۲۷۹/خسروپرویز-چارگاه-عجایب>